سه گفتار در باب کتب اربعه، کافی و کلینی

ترجمه: حسین متقی*

فتح الله ذوقی**

چکیده: این متن شامل سه گفتار از دایرةالمعارف اسلام دیانت (به زبان ترکی چاپ آنکارا) است دربارهٔ کتب اربعهٔ حدیثی امامیه، کتاب الکافی، و ثقة الاسلام محمّدبن یعقوب کلینی. نویسندگان گفتارها، از زاویهٔ نگاه خود، به این سه مطلب پرداخته و گزارش دایرةالمعارفی ارائه کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: حدیث شیعه / کتب اربعه / الکافی (کتاب) / کلینی، محمّد بن یعقوب / دایرة المعارف اسلام دیانت (کتاب) / اوزوم، الیاس / صوفو اوغلو، م.جمال / اوز، مصطفی.

اشاره

آنچه در پی می‌آید، سه گفتار از دایرةالمعارف اسلام دیانت، چاپ آنکارا ذیل سه مدخل مهم است که با حدیث شیعهٔ امامی ارتباط می‌یابد: کتب

*. دانشجوی دکتری مطالعات شیعی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
Email: Hosseinmottaqi@gmail.com

. پژوهشگر بنیاد مطالعات اسلامی در مسکو. ***Email: Fathollahzoughi@gmail.com*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

اربعه، کافی، کلینی که در سالهای اخیر انتشار یافته است.
عاملی که ما را به درج این مقاله برانگیخت، ضرورت آشنایی جامعهٔ فرهیختهٔ ایرانی با دیدگاههای محقّقان معاصر کشور ترکیه است که کمتر در نشریات تخصّصی بازتاب یافته است. این فتح باب که در سفینه انجام می‌شود، به لطف استاد حسین متّقی کتاب‌شناس و نسخه‌شناس و پژوهشگر است که عنایت ایشان را سپاس می‌گوییم.
بدیهی است که درج این گفتارها به معنی تأیید کامل محتوای آنها نیست؛ بلکه صرفاً به عنوان دریچه‌ای برای آشنایی با این گروه از دیدگاههاست.

گفتار اول ـ کتب اربعه

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعهٔ امامیّه[1]

نگارش: الیاس اوزوم (ILIAS USUM)

الکافی، [کلینی] کتاب من لایحضره الفقیهِ شیخ صدوق، تهذیب الأحکام و الاستبصار ابوجعفر طوسی، کتابهای چهارگانه‌ای هستند که [بخش اساسی] مجموعهٔ احادیث شیعه را تشکیل می دهند. نخستین این کتابها در اوائل سدهٔ ۴هـ/۱۰م و باقی آنها در دورهٔ خاندانی شیعی، به نام آل بویه، در درون دولت عبّاسی، تألیف شده است. این آثار در آغاز دورهٔ سلطهٔ سیاسی بویهی‌ها مشهور گردید. به احتمال زیاد، از حدود سدهٔ ۶هـ/۱۲م، کتب اربعه (و یا تنها الاربعه) نام گرفته‌اند؛ این تعبیر، به احتمال قوی، جایگزینی برای کتب ستّه، اندیشیده شده است که پیشتر از سوی محدّثان اهل سنّت گردآوری شده بود.

احادیث کتب اربعه که سنّت حضرت پیامبر[صلی‌الله‌علیه‌وآله] و نیز قول، فعل و تقریر دوازده امام [علیهم‌السلام] است، بنا به نظر علمای شیعه در سده‌های نخستین برگزیده و نوشته شده است. روند نگارش حدیث از دوران حضرت علی [علیه‌السلام] آغاز شده و در زمان

۱. Torkiye Diyanet Vakfi Islam Ansiklopedias (Ankara,2003): Vol.27, pp4_6

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

زین‌العابدین [علیه‌السلام] محمّدباقر [علیه‌السلام] و به‌ویژه جعفرالصادق [علیه‌السلام] گسترش یافته است. مجموعه‌های حدیثی که بخش مهمّی از آنها از سخنان امامان [علیهم‌السلام] تشکیل یافته، از سوی بسیاری از عالمان نگارش یافته است. تا زمان وفات یازدهمین امام، یعنی [امام] حسن العسکری [علیه‌السلام] ۲۶۰هـ/۸۷۴م از چند هزار مجموعه‌های روایی شناخته شده شیعی که هر یک "اصل" نامیده می‌شد، ۴۰۰ اصل یا اصول اربعمائة، پذیرفته شده بود. برخی شمار تألیفات را بسیار بیش از آن دانسته و ۴۰۰ اصل را تنها شامل کتابهای تألیف شده توسّط شاگردان جعفرالصادق [علیه‌السلام] قلمداد کرده‌اند. برخی نیز کتابهای دوران امامان [علیهم‌السلام] را که تمام روایات را در برمی‌گرفته، بیش از ۶۶۰۰ کتاب ذکر کرده‌اند؛ امّا منابع، صرفاً نام گردآورانِ احادیث مذکور را ذکر کرده‌اند. (نک: دائرة المعارف اسلام دیانت، ج ۱۵، ص ۳۹ ـ ۳۸)

۱. نخستین اثر از کتب اربعهٔ شیعهٔ امامیّه، کتاب الکافی (= الکافی فی علم الدین)، تألیف ابوجعفر محمّدبن یعقوب کلینی رازی (متوفی ۳۲۹هـ/۹۴۱م) است. کلینی سطح علمی‌اش هر چه هست، باشد، به هرحال، هرکس به خاطر روایات مأثوره از رسول اکرم [صلی‌الله‌علیه‌وآله] و امامان [علیهم‌السلام] علاقه‌مند است صاحب یک اثر ماندگار در همهٔ علوم دینی منتسب به آنان باشد وکلینی هم با این نیّت، این اثر را آماده کرده و به کتاب الکافی موسوم ساخته است. (کلینی، ج ۱، ص ۸) با این حال، برخی علمای شیعی (برای نمونه نک: خوانساری، روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۱۶)، پس از پایان رسیدن تلاش کلینی در این موضوع، آن را [از طریق نوّاب] به پیش امام غائب مهدی المنتظر [علیه‌السلام] برده و ایشان نیز در حالی‌که کتاب را پسندیده فرموده که: «[الکافی کافٍ لشیعتنا = این اثر] بر شیعیان ما کافی است»، و به همین دلیل خوانده شدن این اثر با نام الکافی را آشکارتر کرده است. این اثر، از دو قسمت تشکیل یافته است که بخش نخست آن با نام الأصول من الکافی و دربارهٔ موضوعاتِ اعتقادی، و بخش دوم نیز که با نام الفروع من‌الکافی خوانده می‌شود، مربوط به موضوعات فقهی است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

۲. دومین اثر از کتب اربعهٔ شیعهٔ امامیّه، کتاب من لایحضره الفقیه، تألیف ابوجعفر محمّدبن علی‌بن بابویه قمی مشهور به «شیخ صدوق» و «ابن بابویه» (متوفی ۳۸۱هـ / ۹۹۱م) است. اثری که از سوی اوگزینش یافته اختصاراً با نام الفقیه نیز یاد می‌شود. بر اساس آنچه مؤلّف در مقدّمهٔ آن می‌نویسد، زمانی‌که شیخ صدوق در بلخ (روستای ایلاق) بوده است، با شرف‌الدین ابوعبدالله مشهور به «نعمه»، از نسل پیامبر [ﷺ] ملاقات می‌کند و وی از صدوق می‌خواهد که اثری مانند کتاب من لایحضره الطبیب، تألیفِ محمّدبن زکریّای رازی که خواننده را از پزشک مستغنی می‌کند، بنگارد، تا خواننده را برای دسترسی به موضوعات فقهی راهنمایی نموده و از مراجعه به فقیه مستغنی نماید.

بر این اساس، شیخ صدوق هم با تألیفِ کتاب من لایحضره الفقیه به آن درخواست پاسخ مثبت داده است. شیخ در نگارش این اثر از آثار حریزبن ابی‌عبدالله سجستانی، عبیدالله بن علی حلبی، علی‌بن مهزیار اهوازی و حسین‌بن سعید استفاده کرده و همچنین از کتاب نوادر الأحکام اثر محمّدبن احمدبن یحیی، کتاب الرحمة اثر سعدبن عبدالله، الجامع اثر محمّدبن حسن‌بن ولید، النوادر نوشتهٔ محمّدبن ابی عمیر و الرسالة پدرش علی‌بن حسین قمّی بهره برده است.

بنابر توضیحات و تعلیقات مصحّح و ناشر الفقیه، حسن الخرسان، مؤلّف از کتاب الصلاة سجستانی، کتابی از حلبی در مورد فقه، سی و سه اثر از اهوازی و حدود سی اثر از حسین‌بن سعد استفاده کرده است. تفاوتهای مهمّی در زمینهٔ شمارگان روایتهایی وجود دارد که در مورد تاریخ نگارش آنها اطلاعی در دست نیست؛ مثلاً تعداد روایتهایی که در جمع‌بندی حسن صدر نشان داده شده ۹۰۴۴ حدیث است (نک: صدر، تأسیس الشیعة، ص ۲۸۸) و این درحالی است که حسن الخرسان تعداد آنها را ۵۹۶۳ حدیث نقل می‌کند. (نک: ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، مقدّمه ناشر، ج ۱، ص «د»). [تردیدی نیست که] این تفاوت، نتیجهٔ درآمیختن روایتهای موجود در کتاب است با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

فتاوایی که مؤلّف در چارچوب احادیث داده است.

چاپ چهار جلدی کتاب من لایحضره الفقیه در ۵۶۶ باب، امروزه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بابها بر اساس سلسلهٔ موضوعی ترتیب یافته است. به نظر عالمانِ حدیثِ شیعی، از زاویهٔ اعتبار و جایگاه، الفقیه پس از الکافی در دومین رتبه قرار دارد و مؤلّف آن اذعان دارد که به جهت حجم گستردهٔ آن، سلسلهٔ سندی روایات را به صورت کامل نیاورده است؛ لذا حجّیت و اعتبار بیشتر روایتهای جمع‌آوری شده در آن، مختصّ خود شیخ صدوق و خدای اوست.

نوشته‌های شیخ صدوق عمدتاً با به کارگیری عبارتهایی همچون: «[امام] جعفرالصادق [علیه‌السلام] گفته است ...» و یا اینکه «امام رضا [علیه‌السلام] گفته است ...»، [آغاز می‌شود] و به این ترتیب، ابتدا نام امام معصوم را می‌برد و بعضاً پیش از نام امام، اسامی یک یا دو راوی را نیز ذکر کرده و سپس احادیث را نقل می‌کند. حدیث‌شناسان شیعی، دو نوع حدیث را معرّفی نموده‌اند که نخستین آن «مُرسل» و دومین آن «مُسند» است؛ بیشتر احادیث این اثر، از نوع دوم و «مُسند» است.

گفتنی است که ناشر کتاب من لایحضره الفقیه، حسن الخرسان از مجموع ۵۹۶۳ حدیث الفقیه، ۲۰۵۰ مورد آن را «مُرسل» و باقی آنها را «مُسند» قید کرده است. باز بنا به نظر حسن الخرسان، عالمانِ شیعی، احادیثِ «مرسل» را به اندازهٔ احادیث مُسند معتبر دانسته‌اند. برخی عالمان، با در نظرگرفتن دقّت شیخ صدوق در ضبط روایات و گستردگی آگاهی وی نسبت به صحّت راویان، این اثر را نسبت به سه کتاب دیگر (از کتب اربعه)، اعتبار بیشتری به آن داده‌اند.

در کتابخانه‌های گوناگون، نسخه‌های خطی پرشماری از آن گزارش شده است. (نک: بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۲۰۰) این اثر چاپهای متعدّدی دارد. برخی چاپهای آن، عبارت‌اند از: لکنهو ۱۳۰۰ هـ، ۱۳۰۶ ـ ۱۳۰۷هـ، تبریز ۱۳۳۴هـ، تهران ۱۳۷۴هـ، نجف ۱۳۷۷هـ، بیروت ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱م، که البتّه مورد اخیر در چهار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

جلد [به صورت تصحیحی] منتشر شده است. به جهت اعتبار، جایگاه و اهمیّت خاصّ آن در شیعه، از زمان نگارش این اثر تاکنون، شروح، حواشی و تعلیقات بسیاری بر آن نگاشته شده است.

۳. سومین اثر از کتب اربعهٔ شیعهٔ امامیّه، تهذیب الأحکام تألیف ابوجعفر محمّدبن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰هـ / ۱۰۶۷م) است که از او به عنوان «شیخ‌الطائفه» نیز یاد می‌شود. نام کامل اثر، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة است. بنابر آنچه در مقدّمهٔ کتاب آمده است، مؤلّف کتابی به نام المقنعة (الرسالة المقنعة) را که استاد خویش، شیخ مفید [ابوعبدالله محمّدبن محمّدبن نعمان عکبری حارثی (متوفی ۴۱۳هـ)] تألیف کرده بود، اساس قرار داده و روایات مربوط به موضوعات آن را برگزیده و تلاش خویش را به عنوان شرح آن، طرح‌ریزی کرده است.

مؤلّف، جداگانه برخی روایتهایی را که در میان کتب شیعی به چشم می‌خورد و به نظر مخالفان (سنّی‌ها) استثمار شده و سبب ترک مذهب از سوی برخی کسان شده، برای از بین بردن این تضادها در تألیف خویش عنوان می‌کند.[1] (نک: طوسی، تهذیب الأحکام، مقدّمهٔ ناشر، ج ۱، ص ۳ ـ ۲) طوسی ابتدا مسائلی را که مرتبط با موضوعات فقهی موجود در المقنعة است به دست داده، سپس احادیث مخالف و نیز احادیث موافق با مذهب خویش را نقل کرده، در نهایت، بر اساس ملاکهای مشخصّی مرجّحات را بیان داشته و کارکردن موضوعی را روش هدفمند خویش قرار داده است؛ هر چند این اثر را به ترتیب موضوعی از کتاب طهارت که نخستین قسمت آن است شروع نموده و به جهت خوف از پایان نیافتن اثر، در قسمتهای دیگر کتاب، تنها با ذکر روایتهای شیعی آن را به پایان رسانده است. (نک: همان، مقدّمهٔ ناشر، ج ۱، ص ۴۷ ـ ۴۶).

۱. عبارت گویا نیست؛ لیکن یکی از اهداف شیخ طوسی از نگارش التهذیب حلّ تعارضات و اختلافات موجود در میان اخبار بوده است. (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

گفتنی است چاپی که امروزه به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، چاپ ۱۰ جلدی است که در سال ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱م در بیروت منتشر شده است. مجموع ابواب تهذیب الأحکام، ۳۹۳ باب و شمارگان احادیث این اثر هم ۱۳۵۹۰ روایت است. مؤلّف که احادیث را با سند کوتاهی می‌آورد، پس از اتمام آن، پیوستی به نام مشیخة تهذیب الأحکام در آن گنجانده و در آن سلسله سند راویانی را که در این اثر از آنها روایت نقل می‌کند، ثبت نموده است.

حسن الخرسان، [مصحّح و] ناشر تهذیب الأحکام، با استفاده از منابع شیعی، شرحی بر این «پیوست» نگاشته است. ناگفته نماند که این پیوست و شرح آن در آخرین جلد چاپی (ج ۱۰) که از آن سخن رفت (چاپ بیروت) قرار گرفته است. از کتاب تهذیب الأحکام نسخه‌های خطّی پرشماری گزارش شده است. (نک: بروکلمان، ذیل تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۷۰۷) این اثر دارای چاپهای متعدّدی است؛ از جمله: تهران، ۲ ج در ۱۳۱۷ـ۱۳۱۶هـ، نجف، ۴ ج در ۱۳۷۷ـ۱۳۸۲هـ و چاپ ۱۰ جلدی آن که سال ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱م در بیروت منتشر شده است. بر این اثر و اسنادش [= مشیخه] شروح و حواشی و تعلیقات پرشماری نوشته شده است. (نک: طوسی، تهذیب الأحکام، مقدّمهٔ ناشر، ج ۱، ص ۴۷؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۵۳ـ ۵۱)

۴. چهارمین اثر از کتب اربعهٔ شیعهٔ امامیّه، الاستبصار تألیفِ دیگر ابوجعفر محمّدبن حسن طوسی است. نام کامل آن الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار است. بر پایهٔ ویژگی کامل آن در جایگاهِ مختصر تهذیب الأحکام، از لحاظ ترتیبی هم وابسته به آن است. این کتاب بر اساس بخشهای موضوعی فقهی «عبادات» و «معاملات» جدا شده است. هر کتاب در شمارگان مختلف به بابهایی که روایات را در برمی‌گیرد، تقسیم شده است. بنابر شمارش مؤلّف، این اثر دارای ۹۲۶ باب، مشتمل بر ۵۵۱۱ حدیث است. (نک: مشیخة الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳) [در تفاوتی ناچیز،] شمارگان ابواب کتاب در برخی منابع ۹۱۵ و ۹۳۰ باب؛ شمارگان و احادیث هم ۵۵۳۱ و ۵۵۵۸ ذکر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

شده است.

این اثر به لحاظ تاریخ تألیف آن، آخرین کتاب از کتب اربعه، و نسبت به موضوعات مهمّ فقهی در شیعه از اهمیّت خاصّی برخوردار است. مؤلّف در این اثر فقط به ردیف کردن روایتها بسنده نکرده، بلکه برای رفع اختلافها و معضلات بین آنها، سعی وافی نموده است. در پایان اثر، از آنجاکه سلسلهٔ اسانید احادیث متّصل نیستند، مؤلّف شبیه کاری را که در اثر پیشین (تهذیب الأحکام) نموده بود، انجام داده و فصلی را در زمینهٔ «اسناد احادیث» [با عنوان مشیخة] قرار داده است. در این بخش، وی سلسله سندی خود را تا امامان معصوم [علیهم‌السلام] بیان داشته و راویانی را خود در این اثر، از آنها نقل می‌کند، معرّفی نموده است و کسانی که نامبرده شده است، سلسله روایتهایشان را به مانند مشیخهٔ تهذیب الأحکام به حضرت پیامبر [صلی‌الله‌علیه‌وآله]یا دوازده امام [علیهم‌السلام] می‌رساند. (نک: مشیخة الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳ ـ ۳۰۳).

الاستبصار نیز درکتابخانه‌های گوناگون دارای دستنویسهایی است (نک: بروکلمان، تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۵۱۲ و همو، ذیل تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۷۰۷). این اثر نخستین بار در لکنهو هند به چاپ رسیده است (۱۳۰۷هـ / ۱۸۸۹م) و سپس چند سال بعد در سال (۱۳۱۷هـ) در تهران منتشرگردیده است. این اثر بعدها در نجف (۱۳۷۶ - ۱۳۷۵هـ) و سپس در بیروت سال (۱۳۹۰هـ) انتشار یافته است. تصحیح علمی اثر، از سوی حسن الخرسان تحقق یافته و در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵هـ در تهران منتشرگردیده است. بر الاستبصار نیز شروح، حواشی و تعلیقات بسیاری نگاشته شده است. (نک: آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۷ ـ ۱۹ و ج ۱۳، ص ۸۷ ـ ۸۳)

شیعه که سنّت را بعد از قرآن کریم، دومین منبع [استنباط احکام] می داند، بر این اساس علاوه بر علم حدیث، کتب اربعه را در موضوعاتی همچون: «تفسیر»، «فقه» و «کلام» نیز به عنوان منبع مراجعهٔ خود در آن، قرار داده و مورد استفاده قرار می دهد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

کتاب الوافی اثر فیض کاشانی که از منابع مهمّ شیعی محسوب می‌شود (۳ ج، قم، ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۴م)، عبارت است از تکرار [مجموعه] احادیث کتب اربعه [در یک اثر و به مانند اوست] کتاب وسائل الشیعة (۲۰ ج، بیروت، ۱۴۱۲هـ / ۱۹۹۱م) که از سوی حرّ عاملی نگارش یافته است. سپس بحارالأنوار (۱۱۰ ج، بیروت، ۱۴۰۳هـ / ۱۹۱۸م) که به دست محمّدباقر مجلسی درگسترهٔ قابل توجّهی [۱۱۰ ج،] با استفاده از کتب اربعه، تألیف یافته است.

در فرهنگ شیعی، مؤلّفان تفاسیر روایی یا مفسّرانی که در تفسیر خود به روایات جایگاه خاصّی می دهند، «آیات مرتبط با اعتقاد» را با اصول کافی، «آیات الاحکام» را با فروع کافی به همراه احادیثی که در سه کتاب دیگر از کتب اربعه، آمده است، در تفسیر خویش به کار می‌گیرند. متکلّمان شیعی نیز به ویژه به روایتهایی که در اصول کافی ذکر شده، اهمیّت خاصّی داده‌اند. (به عنوان نمونه نک: فیض کاشانی، علم الیقین، قم ۱۳۸۵ه، ج ۱، ص ۱۹۲، ۵۴۷ و ۵۴۹؛ ج ۲، ص ۸۵۸، ۹۲۳ و ۹۹۲)

تنها عالمان منسوب به مسلک «اخباری» همهٔ روایتهای موجود در کتب اربعه را صحیح دانسته‌اند. [بر اساس این نظریّه، وجود] تضاد میان [برخی] روایات، دلیل بر آن نیست که این روایات از سخنان امامان معصوم [علیهم‌السلام] نمی‌باشد؛ بلکه آنان لزوم «تقیه» را علّت تفاوت گفتاری پیش کشیده‌اند. [در مقابل این دیدگاه، مکتب «اصولی» قرار دارد که] در آثار مربوط به «اصول فقه»، در جاهای مربوط [به تفصیل] به این موضوع پرداخته و ضمن تأیید وجود برخی احادیث غیر صحیح در میان آثارِ روایی گزینش شده از سوی مؤلّفان، [با نگرشی تنقیدی] از سوی عالمان اصولی، در مقدّمه آثار خود این مسائل را روشن ساخته‌اند (نک: خوئی، ج ۱، ص ۳۰ـ۲۵)؛ علاوه بر آن، لزوم ارزیابی علمی روایات [مندرج در آثار روایی شیعی] در چهار چوب معیارهای مشخّص و پذیرفته شده، شرح داده شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

منابع

۱. ابن بابویه. من لایحضره الفقیه. (نشر، سیّد حسن الموسوی الخرسان)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.

۲. بروکلمان. تاریخ ادبیات عرب.

۳.ـــــــ ذیل تاریخ ادبیات عرب.

۴. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة إلی تصانیف الشیعة. بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۵. خوانساری. روضات الجنات. قم: نشر، اسدالله اسماعیلیان.

۶. خوئی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۷. طوسی، ابوجعفر. تهذیب الأحکام. (نشر، سیّد حسن الموسوي الخرسان)، بیروت: ۱۴۰۱ه.

۸.ـــــــــ مشیخة (تهذیب الأحکام: ج ۱۰، ص ۴).

۹.ـــــــــ الاستبصار. (نشر، سیّد حسن الموسوی الخرسان)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.

۱۰.ـــــــــ الفهرست (نشر، م. صادق آل بحرالعلوم)، بیروت: ۱۴۰۳ ق.

۱۱. حرّ عاملی. وسائل الشیعه. بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۱۲. حسن الصدر. تأسیس الشیعة. بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۱۳. م. جـمال صـوفو اوغـلو hadis tenkidi yonunden el-kafi uzerine bir inceleme= احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی، یک بررسی و تحقیق (پایان نامه استادیاری، ۱۹۸۲م)، دانشگـاه آنکـارا، دانشکده الهیّات.

۱۴. [محسن امین عاملی]. أعیان الشیعة.

۱۵. ادهم روحی فغلالی، Imamiyye Siasi = شیعهٔ امامیه. استانبول، ۱۹۸۴ م.

۱۶. وحید اختر. Early Shi'ite Imamiyyah Thinkers = نخستین اندیشمندان شیعه امامیّه. دهلی‌نو، ۱۹۸۸ م.

۱۷. اتان کُهلبِرگ. الأصول الأربعمائة [در نشریهٔ] مـطالعات اورشـلیم در عـربی و اسـلام = Jerusalem Studies in Arabic and Islam (اورشلیم = بیت‌المقدس)، ش ۱۰، ۱۹۸۷ م، ص ۱۶۶ ـ ۱۲۸.

۱۸. سیّد ثامر هاشم حبیب العمیدی، "تاریخ الحدیث و علومه": [در نشریهٔ] تراثنا (قم)، س ۱۲، [۱۴۱۷ هـ]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

ش ۴۷ ـ ۴۸، ص ۲۲۳ ـ ۲۳۶.

۱۹. م، یاشار کان‌دمیر، "حدیث"، دائرةالمعارف اسلام دیانت: ج ۱۵، ص ۳۸ ـ ۴۰.

۲۰. فیض کاشانی. علم الیقین. قم، ۱۳۸۵ ش.

۲۱. ـــــــ کتاب الوافی. قم، ۱۴۰۳ ق.

۲۲. کلینی. الکافی. (نشر، علی‌اکبر الغفاری)، بیروت: ۱۴۰۱ ق.

۲۳. مجلسی، محمّد باقر. بحارالانوار. بیروت، ۱۴۰۳ ق.

گفتار دوم ـ الکلینی

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعهٔ امامیّه[۱]

نگارش: مصطفی اؤز (Mustafa Oz)

به احتمال زیاد در سالهای ۲۶۵هـ / ۸۷۹م در روستایی به نام «کُلین»، واقع در بین ری و قم، در خانواده‌ای اهل علم و دانش پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش «یعقوب بن اسحاق» بود که در ری اقامت داشت و از عالمان ممتاز ری بود. دربارهٔ کلینی باید گفت که وی علوم مقدّماتی را در موطن خود آغاز نمود. با توجّه به اینکه اشخاصی که روایات امامیه را نقل می‌نماید، علمای طراز اول قم بوده‌اند، می‌توان گفت که وی مدّتی طولانی در قم به تحصیل پرداخته است. با توجّه بـه ایـنکه دایـی وی مشهور به «علّان»، از علمای برجسته ری بوده است، از او و سایر دانشـمندان آن خطّه استفاده برده و از آنها نقل روایت می‌کند.

دیدگاه‌ها و روایتهای عالم بزرگ نیشابور، «فضل بن شاذان» راکه خود بسیار به او اعتماد دارد، از محمّدبن اسماعیل نیشابوری سماع نمود. همچنان‌که بیان گردید، در رأس محدّثان و مشایخ کلینی، علان و نیشابوری قرار دارند که تعداد آنان به ۳۶ نفر می‌رسند؛ محدّثانی مبرّز و متشخّص همچون: ابوعلی احمدبن ادریس‌بن احمد

۱. Torkiye Diyanet Vakfi Islam Ansiklopedias (Ankara,2002): Vol. 26, pp 538_539

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

اشعری قمّی، ابوجعفر احمدبن محمّدبن عیسی اشعری قمّی، سعدبن عبدالله‌بن ابی‌خلف اشعری قمّی و علی‌بن حسین سعدآبادی قرار دارند که از امتیازات خاصّ دورهٔ وی می‌باشد.

به احتمال زیاد، در اوائل سدهٔ ۴هـ/۱۰م، کلینی برای دانش‌افزایی، به بغداد رفته و در کرانهٔ غربی دجله واقع در دروازهٔ کوفه در محلّهٔ درب السلسلة سکونت گزید. علاوه بر آن، کلینی که با نسبت «سلسلی» نیز از او یاد می‌شود، مجالس علمی‌اش جایگاه توجّه اشخاص بسیاری گردید. وی در زمان خلیفهٔ عباسی ـ مقتدر بـالله ـ ریاست علمی فرقهٔ امامیّه را به خود اختصاص داد.

کلینی شاگردان بسیاری را در زمینهٔ حدیث و روایت پرورش داد. در بین شاگردان وی می‌توان به کسانی همچون: ابوعبدالله احمدبن ابراهیم مشهور به ابن ابی رافع السیمری، احمدبن احمد الکاتب کوفی، احمدبن علی‌بن سعید کوفی، احـمدبن محمّدبن علی کوفی، ابوغالب احمدبن محمّد رازی، ابوالقاسم جعفربن مـحمّد، علی‌بن احمدبن موسی دقّاق، ابوعیسی محمّدبن احمد سنانی، اشاره نمود. (برای اطلاعات بیش‌تر در رابطه با مشایخ و شاگردانش نک: مقدّمهٔ حسین علی محفوظ در الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۰ ـ ۱۴؛ قیس آل قیس، ج ۳، ص ۸۱ ـ ۷۸)

کلینی به جهتِ فعالیتهای علمی‌اش در زمان خود، به عنوان شیخ شیعه و چهرهٔ شاخص و مورد اعتماد علمای شیعهٔ امامیه در سده‌های بعد توصیف گردیده است. (نک: عاملی، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۹۹) تاریخ وفات کلینی در منابع، سال ۳۲۸هـ /۹۴۰م یا ۳۲۹هـ /۹۴۱م ذکر شده است؛ البتّه احمدبن علی نجاشی که به زمان حیات او بسیار نزدیک است، تاریخ وفات وی را، ماه شعبان سال ۳۲۹هـ / می ۹۴۱م (طوسی، الرجال، ص ۲۹۲) ثبت نموده که به نظر می‌رسد به واقع نزدیک‌تر باشد. پیکرش سمت غربی قبرستان باب‌الکوفه به خاک سپرده شد. امروزه مـزارش در سـمتِ شـرقی دجله، کنار پل قدیمی، مشهور به «جسر مأمون» قرار دارد و پس از قرنها این ویژگی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

را داراست که زیارتگاهی معادل قبر امامان [علیهم‌السلام] را به خود اختصاص داده است.

با توجّه به اینکه کلینی در مقطع زمانی غیبت صغری می‌زیسته است، پذیرفته شدن کلینی در بنیهٔ امامیّه به عنوان تنها منبع اخبار مأثوره از امامان [علیهم‌السلام] که بیانگر مبانی نظری و عملی شیعه است، در قبال کلام، فقه، و سایر علوم متکی به خِرد، جبههٔ فکری مخالفی پدید آورده بود.

وضعیت موجود درکنار برخی دلائل دیگر به اعتقاد علمای امامیه، به طولانی نشدن غیبتِ دوازدهمین امام [علیه‌السلام]، ظهور او در زمانی نزدیک و حلّ مشکلات مختلف موجود جامعه شیعی به دست او، متکی است. در چنین وضعیتی، کلینی با پیروی از یک متد اخباری ـ سلفی، مجموعه‌های حدیثی معروف به اصول اربعمائه را ـ که از امامان [علیهم‌السلام] و در رأس آنان [امام] جعفر صادق [علیه‌السلام] نقل شده است ـ با دیگر روایتهای رسیده از امامان [علیهم‌السلام]، جمع کرده و مجموعهٔ روایی بزرگی به وجود آورده است. جایگاه بخاری در مجموعه‌های روایی اهل سنّت را کلینی نیز به همان اندازه در میان کتب روایی امامیّه داراست.

کلینی به مکتب حدیثی قم منسوب بود که آنان مخالف هر نوع اجتهاد، استدلال و تفکّر مبتنی بر خِرد محسوب می‌شدند. در مقابل آنان، نوبختیان قرار داشتند که به رشد متدهای عقلی در کلام شیعی با گرایش معتزلی روی آورده بودند. کلینی به مخالفتهای شدیدی با آنان پرداخت و برای محافظت از کیان امامیه در برابر دیگر مذاهب، طرفدار کاوش و تبیین عقلی نبوده است. از این‌رو، همهٔ تلاشهای وی در چارچوب گردآوری، ضبط و محافظت از اخبار و احادیث منقول از امامان [علیهم‌السلام] خلاصه می‌شود. گرچه فهمیدن دیدگاههای عقلی و نقلی (الهیّات) او از روی اخبار مضبوط در اثرش ممکن دانسته شود. وقتی نقلهای متضاد با یکدیگر مورد توجّه و بررسی قرارگیرد، مشکل بودن این مسئله، در بالاترین حدّ آشکار می‌گردد. با اینکه بخش فروع کتاب کافی طبق ابواب فقهی تنظیم شده، در عین حال کلینی مخالفت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

خود را با بخشی از اصول فقه که مبتنی بر پایه‌های عقلی است، بروز داده است.

آثارش: مشهورترین اثر کلینی که به روزگار ما رسیده الکافی فی علم الدین (= کتاب الکافی) است؛ که طیّ بیست یا سی سال به انجام رسانده است. این اثر مشتمل بر سی و پنج کتاب مربوط به اصول و فروع، تشکل یافته است. این مجموعه که دارای ۱۶.۱۹۹ حدیث می‌باشد و در حقیقت شهرت کلینی را فراهم آورده است، مهم‌ترین تلاش علمی اوست.

نسخه‌های خطی الکافی و نیز شروح، اختصارات و تعلیقات آن در کتابخانه‌های مختلف به وفور یافت می‌شود (قیس آل قیس، ج ۳، ص ۹۳ ـ ۸۵). بخش اصول آن در شیراز (۱۲۷۸هـ)، تبریز (۱۲۸۱هـ)، تهران (۱۳۱۱هـ و ۱۳۷۴هـ) و در لکنهو ـ هند (۱۳۰۲هـ / ۱۸۸۵م) متنشر شده است. بخش فروع کافی ابتدا در سال ۱۳۱۵هـ در تهران، در سال ۱۳۰۲هـ/ ۱۸۸۵م در لکهنو به چاپ رسیده است. بخش پایانی کافی «الروضة» نیز در تهران سال ۱۳۰۳هـ و لکهنو در سال ۱۳۰۲هـ / ۱۸۸۵م نشر یافته است. تمام بخشهای سه‌گانهٔ کافی شامل اصول، فروع و روضه با تصحیح علی‌اکبر غفاری در هشت جلد در سالهای ۱۳۸۷ ـ ۱۳۷۵، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۸ در تهران و در سال ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۰م در بیروت افست گردیده است. آثار دیگر کلینی که نام آنها در منابع ذکر شده است، عبارت‌اند از: کتاب تفسیر الرؤیا (= کتاب تعبیر الرؤیا)؛ کتاب الرجال (در موضوع رجال حدیثی شیعی)؛ کتاب الردّ علی القرامطة؛ کتاب الرسائل (= رسائل الائمة، اثری است که نامه‌های امامان [علیهم‌السلام] را دربر می‌گیرد)؛ کتاب ما قیل فی الائمة من الشعر. (برای این آثار نک: طوسی، الفهرست، ص ۱۶۵؛ ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۹۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

منابع

۱. کلینی، الاصول من الکافی (نشر، علی اکبر الغفاری)، بیروت، ۱۴۰۱ه، مقدّمهٔ حسین علی محفوظ [بر الأصول من الکافی :] ،ج ۱، ص ۴۲ ـ ۸

۲. النجاشی، احمد بن علی. الرجال. تهران، ص ۲۹۲.

۳. الطوسی، ابوجعفر. الفهرست (نشر م. صادق آل بحرالعلوم)، بیروت ۱۴۰۳ه/ ۱۹۸۳م، ص ۱۶۶ - ۱۶۵.

۴. [ابوجعفر الطوسی] الرجال (نشر م. صادق آل بحرالعلوم)، قم ۱۴۱۱ه، ص ۴۹۶ - ۴۹۵.

۵. سمعانی. الانساب. ج ۱۰، ص ۴۶۳.

۶. ابن شهرآشوب. معالم العلماء (نشر م. صادق آل بحرالعلوم). بیروت: (دار الأضواء): ص۹۹.

۷. ابن حجر. لسان المیزان. ج۵، ص۴۳۳.

۸ ابن عصفور البحرانی. لؤلؤة البحرین (نشر، م صادق آل بحرالعلوم)، بیروت، ۱۴۰۶ه/۱۹۸۶م، ص ۳۹۴ - ۳۸۴.

۹. بروکلمان. تاریخ ادبیات عرب.(Gal)، ج ۱، ص ۲۰۰ ـ ۱۹۹ و ذیل بروکلمان: ج ۱، ص ۳۲۰.

۱۰. تبریزی، ریحانة الادب. تبریز، (چاپخانه شفق): ج ۳، ص ۸۷۹

۱۱. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة إلی تصانیف الشیعة. بیروت ۱۴۰۳ه /۱۹۸۳م، ج ۳، ص ۱۸۴؛ ج ۴، ص ۲۰۸؛ ج ۶، ص ۱۸۴۱۷۹؛ ج ۸ ص ۷۹؛ ج ۱۰، ص ۱۰۳، ۲۱۸ و ۲۳۹؛ ج ۱۳، ص ۱۰۰ ـ ۹۶.

۱۲. خوانساری. روضات الجنات (نشر اسدالله اسماعیلیان)، قم، ج ۶، ص ۱۲۰ ـ ۱۰۸.

۱۳. شوشتری. مجالس المؤمنین. تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، صص۴۵۳-۴۵۲.

۱۴. عبدالعزیز آ. ساچدینا Islamic Messianism، نیویورک ۱۹۸۱م: ص ۳۳ ـ ۳۲.

۱۵. [محسن امین عاملی]. أعیان الشیعة. ج ۹، ص ۹۹.

۱۶. عبدالرسول الغفار. بین الکلینی و خصومه. بیروت ۱۴۱۵ه/ ۱۹۹۵م.

۱۷. قیس آل قیس. الایرانیون. ج ۳، ص ۹۵ - ۷۴

۱۸. و. مادلونگ، "الکلینی":دائرةالمعارف اسلام EI2 (انگلیسی): ج ۵، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

گفتار سوم ـ [الکافی]

چهار کتاب اساسی حدیثی شیعهٔ امامیّه[1]

نگارش: م. جمال صوفو اوغلو (M. Cemal Sofuoglu)

نخستین و مهم‌ترین [کتاب] از چهار کتاب حدیثی معتبر از دیدگاه شیعه است. (نک: کتب اربعه) مؤلّف در مقدمهٔ الکافی ـ که نام کامل آن الکافی فی علم الدین است ـ دلائل نگارش اثر خویش را بیان حضرت پیامبر [ﷺ]، به همراه کتاب خداوند (قرآن کریم)، علی‌بن ابی‌طالب [و عترت] به عنوان وصیّ امّت خود، اطاعت از امام به عنوان وظیفهٔ مسلمانان، فراگیری آموزه‌های دینی از امامان راستین [علیهم‌السلام] و سرانجام، تأمین زندگی مطابق و هماهنگ با اوامر خداوند و سنّتهای نبوی [ﷺ]، برشمرده است.

کتاب کافی ـ که در طیّ ۲۰ (یا ۳۰) سال نگارش یافته ـ مشتمل بر حدود شانزده هزار حدیث است. این اثر در دو بخش (جلد) تنظیم گردیده؛ بخش نخست در موضوع مباحث نظری، عقائد و کلام با عنوان اصول کافی، در هشت باب با عناوین: کتاب العقل و الجهل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید، کتاب الحجّة، کتاب الإیمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن و کتاب العشرة (المعاشرة) تقسیم‌بندی شده است؛ و بخش دوم اثر در موضوع مباحث عملی، عبادات و معاملات با عنوان فروع کافی، در شش باب تنظیم گردیده است. واپسین قسمتِ فروع کافی، کتاب الروضة نامیده می‌شود که در آن نامه‌های منسوب به پیامبر [ﷺ] و امامان [علیهم‌السلام] و گفتارهای آنان و موضوعات گوناگون و متنوّع آمده است. این بخش از سوی برخی کسان، سومین بخش کتاب الکافی دانسته شده است. (نک: اختر، نخستین اندیشمندان شیعهٔ

۱ Torkiye Diyanet Vakfi Islam Ansiklopedias (Istambul,2001): Vol. 24, p. 148

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

امامیّه، ص ۱۳)

کلینی در اثری که نگاشته، مشخّص نکرده که از چه متد و شیوه‌ای پیروی کرده و دانسته نیست که قبول و ثبت احادیث کافی مبتنی بر چه شروط و معیارهایی بوده است. همچنین وی از برخی راویان، با اینکه در کتب رجالی شیعه قدح شده‌اند، نقل حدیث می‌کند و بر خلاف تصریح خود مبنی بر لزوم سنجیدن صحّت روایات با قرآن کریم، و در تنافی با این نظر، این‌گونه به نظر می‌رسد که او به راویانی شیعی اعتنا می‌کند که از خود، روایت جعل می‌کنند؛ در صورتی‌که احادیث آنها در دیگر مجموعه‌های روایی، جایگاهی ندارد. در برخی بخشها احادیث موجود با عناوین موضوعات، تناسبی ندارد و حتّی فتاوی امامان [علیهم‌السلام] را هم در ضمن احادیث [نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله] جا داده است. بیشتر روایتهای کتاب کافی عبارت است از سخنان جعفر صادق و دیگر امامان معصوم [علیهم‌السلام] با اینکه سلسلهٔ سند آنها به حضرت پیامبر [صلی‌الله‌علیه‌وآله] می‌رسد، در عین حال ساختگی بودن بسیاری از این روایتها مشخّص و روشن است.[1]

بر کتاب الکافی شروح و حاشیه‌های بسیاری نوشته شده است. در این میان، اختصارهایی نیز انجام گرفته است. شرحهایی همچون: الرواشح السماویة فی شرح أحادیث الإمامیة (تهران ۱۳۱۱ و ۱۳۱۵هـ بمبئی ۱۳۱۲هـ) از محمّدباقر [میر] داماد حسینی؛ شرح أصول الکافی (تهران ۱۳۶۶ ش) از صدرالدین شیرازی؛ الوافی (مجلّدات ۱ ـ ۲، تهران ۱۳۱۴ ـ ۱۳۱۰هـ و مجلّدات ۱ ـ ۳، ۱۳۲۴ ـ ۱۳۲۲هـ؛ قم ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۴م) از فیض کاشانی؛ الشافی فی شرح اصول الکافی (۱ ـ ۲، نجف) از عبدالحسین مظفّر؛ شرح الکافی (۱۲۶۶ و ۱۲۸۱هـ) از ابوالفضل محمّدبن صالح المازندرانی؛ الشافی [فی شرح الکافی] (لکنهو ۱۳۰۱ ـ ۱۳۰۳) به عربی و الصافی [فی شرح الکافی] به فارسی (هر دو شرح با هم، ۱۳۰۸هـ) از خلیل‌بن غازی القزوینی؛ مرآة العقول فی

۱. در مورد این مطالب، رجوع شود به: سفینه، شماره‌های ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و آثار کنگرهٔ بزرگداشت ثقةالاسلام کلینی. (ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

شرح أخبار آل الرسول (تهران ۱۳۲۱هـ) از محمّدباقر المجلسی و الدرّ المنظوم من کلام المعصوم (نک: قیس آل قیس، ج ۳، ص ۹۰ ـ ۸۹) از علی‌بن محمّد بن حسن بن زین الدین الشهید العاملی را از میان آنها می‌توان ذکر کرد (برای دیگر شروح، حاشیه‌ها و اختصارات و برگزیده‌ها نک: سزگین، تاریخ نگارشهای عربی، <Gas> ج ۱، ص ۵۴۰ ـ ۵۴۲؛ قیس آل قیس، ج ۳، ص ۸۶ ـ ۹۳).

الکافی همراه با ترجمهٔ فارسی نیز نشر یافته است. (تبریز ۱۲۸۱، ۱۳۰۷، ۱۳۱۱، ۱۳۷۷ و ۱۳۹۲هـ؛ لکنهو ۱۳۰۲هـ) این اثر هم‌چنین با تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و سیّد محمّد حسن‌الرضوی منتشر شده است. (مجلّدات ۱ ـ ۸، تهران ۱۳۷۸ ـ ۱۳۷۵هـ ۱۳۸۱هـ / ۱۹۶۱م، ۱۳۹۸هـ / ۱۹۷۸م، ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۰م، ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۴م) علی‌رضا برازش با تلاش خود به نام المعجم المفهرس لألفاظ الأصول من الکافی نمایهٔ اثر را حاضر کرده است. (۱۴۰۸هـ / ۱۹۸۸م) سیّد ثامر هاشم حبیب العمیدی در کتاب خود با نام دفاع عن الکافی (قم ۱۴۱۵هـ) نقدهایی را که متوجّه الکافی بود، در آن پاسخ داده است. دیگر اینکه هاشم معروف الحسنی اثری با نام دراسات فی الکافی للکلینی و الصحیح للبخاری نگاشته است. (نک: کتاب‌شناسی) م. جمال صوفو اوغلو نیز روی احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی، یک بررسی و تحقیق به عنوان پایان نامه استادیاری، نگاشته است. (۱۹۸۲م، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیّات)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]

منابع

۱. کلینی. الکافی. (نشر، علی اکبر الغفاری)، بیروت ۱۴۰۱ه؛ و نیز بنگرید: مقدّمهٔ حسین علی محفوظ: ج ۱، ص ۴۲ ـ ۸.

۲. ابن بابویه. رسالة‌الاعتقادات الامامیة = مبانی اعتقادی شیعه امامیّه، (ترجمه ادهم روحی فغلالی)، آنکارا ۱۹۷۸م، ص ۱۰۰، ۱۱۰ ـ ۱۰۹.

۳. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة إلی تصانیف الشیعة. بیروت، ۱۳۹۸ه، ج ۶، ص ۱۷۹ ـ ۱۸۴.

۴. سزگین، تاریخ نگارشهای عربی (Gas)، ج ۱، ص ۵۴۲ ـ ۵۴۰.

۵. طبرسی، ابومنصور. الاحتجاج. نجف، ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۱۹۶ و ج ۲، ص ۱۱۰.

۶. هاشم معروف الحسنی. دراسات فی الکافی للکلینی والصحیح للبخاری. بیروت، ۱۳۸۸ه/ ۱۹۶۸م، ص ۱۳۱ ـ ۱۲۳، ۱۹۴ ـ ۱۸۴، ۲۰۴ ـ ۲۰۲، ۲۱۷ ـ ۲۱۳ و نیز بنگرید به راهنما (اندیکس).

۷. م. ابوزهره. الامام الصادق. قاهره، (دارالفکر العربی)، ص ۴۳۸ ـ ۴۲۹.

۸ م. جمال صوفو اوغلو. Si'nin hadis anlayisi = فهم حدیث شیعه، (پایان نامه دکتری، ۱۹۷۷م)، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیات، ص ۱۲۹.

۹ــــــــــ Hadis Tenkidi Yonuuden el_Kafi Uerine Bir Inceleme = احادیث کتاب الکافی از بُعد تنقیدی : یک بررسی و تحقیق (پایان‌نامه استادیاری، ۱۹۸۲م)، دانشگاه آنکارا، دانشکده الهیّات، ص ۳۸ ـ ۳۶، ۶۳ ـ ۵۶، ۹۷ ـ ۹۳ و ۹۹.

۱۰. قیس آل قیس. الایرانیون. ج ۳، ص ۹۳ ـ ۸۲

۱۱. س. وحید اختر. Early Shiite Imamiyyah Thinkers = نخستین اندیشمندان شیعهٔ امامیه، دهلی‌نو، ۱۹۸۸ م، ص ۲۰ ـ ۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.35.9.8]